



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۷۸
دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۰ مطابق با
۱ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - به: ۱۵۰ ریال

**بودجه
سال ۱۳۶۰
و انتظاراتی که
مردم از آن دارند**
صفحه ۲
**فئودالها جنایت
میکنند**
* با خون میخواستند جلوی
قانون را بگیرند
* با اجرای بند «ج» و «د»
جلوی جنایات را بگیریم
صفحه ۵

**طی یکسری عملیات متبهرانه:
۴ پایگاه هوایی ارتش
رژیم صدام حسین
در خاک عراق نابود شد**

ببرد میان زرمندگان جمهوری اسلامی ایران با متجاوزین صدامی پانصدت اوله دارد. در اطلاعیه ۵۷۷ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، که در ارتباط با این عملیات انتشار یافته، از جمله آمده است: «چهارصدتایان آسمان ایران، خلبانان اختیار آفرین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز ۱۵ فروردین، در یک یورش برق آسا، بزرگترین شهر و بزرگترین پایگاه جتایکارت دشمن وارد آوردند و در یک عملیات متبهرانه و تحسین برانگیز در عمق خاک عراق، ۴ پایگاه دشمن را با کلیه هواپیماهای مستقر در آنها منهدم و با سرفرازای هک ساله به زمین خود بازگشتند.»

حکومت قانون

پیش از يك قرن است که مردم این آب و خاک در راه حکومت قانون مبارزه میکنند. از آن روزها که اراده شاهان و شاهزادگان قاجاری و حتی فرانس-باشپاشی آنان قانون بود و هزاران سر بیگانه بکویچکرین اعتراض و شکایتی بر باد میرفت، تا روزهای که ساواکها با حکم «شاهنشاه آریامهر» سینمایوزان قهرمان را در روز روشن در میان خیابانهای سورخ سورخ میکردند، هرگز در سرزمین زنجیده، مین ما حکومت قانون فرصت تجلی نیافت.

«آواکس» های آمریکا در عربستان سعودی: تهدیدی است علیه استقلال و امنیت جمهوری اسلامی ایران

دولت ریگان ۶ فروند دیگر هواپیمای جاسوسی نظامی «آواکس» به دولت سعودی عربستان تحویل میدهد. امپریالیسم آمریکای دانه توطئه های نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را گسترش میدهد. چندین فروند کاتر «آواکس» در جنوب غربی استان آواکس، که جنبه نهیمی آنها از لحاظ نظامی جاسوسی است، در اختیار دولت سعودی عربستان قرار داد. اکنون خبرگزاریها خبر میدهند که در یک کاتر سردمداری امپریالیسم آمریکایا بمبده گرفته است. تدارکات جنگی او را علیه جمهوری اسلامی ایران گسترش داده، میخواهد فروند دیگر از هواپیماهای «آواکس» را در اختیار دولت سعودی قرار دهد.

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان:

ضد انقلاب میکوشد آذربایجان را به آشوب بکشاند!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در ارتباط با تشدید فعالیت ضد انقلاب در این منطقه و رسیدن گدازهای اخیر در ارومیه و آستارا، اعلامیه ای منتشر کرد. در این اعلامیه آمده است: «در روزهای اخیر، به دنبال شهادت عوامل ضدانقلاب، پیام امام خمینی خطاب به مسئولین کشور، که در آن ضمن دعوت از خودرکنان، هرگونه تخلف از حدود اختیارات و ایجاد جو منسوب آشوب و غیره، محکوم به افشاء در مقابل توده های مردم شده بود، عوامل ضدانقلاب آذربایجان برای لطمه زدن به انقلاب خدامپریالیستی و مردمی ایران، بگونه دیگری وارد عمل شده اند. عوامل ضدانقلاب،

قذافی، مابدوستی با اتحاد شوروی افتخار میکنیم رهبر لیبی:

در دوران پس از جنگ دوم جهانی و یروژه در دو دهه اخیر، که موج انقلابهای آزادیبخش ملی، آخرین نایاب امپراتوری - استعماری را یکی پس از دیگری فرو ریخت و بر ویرانه های آن دولتهاک نوای مستقل پدید آمدند، گزینش راه رشد آینده و روشی که این کشورها بپایندی در پیرامین دو سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود در جهان در پیش میگرفتند، مشخص

شاه ملعون هم می گفت! اویسی خائن هم می گوید!

روزنامه معرزه، کمترین توجهی به پیام امام خمینی درباره حمله آرایش ندارد. یروژه فحاشی و افترازی علیه حزب توده ایران از جانب «میزان»، از آغاز سال جدید حتی شدت گرفته است. ما بنا بر متن اصول و انقلاب خود بر آن نیتیم، که به این دستنامه و افتراها جواب بدهیم. تنها لازم میدانیم که «مناجم» و «ماخذ» اصلی این دستنامه و افتراها را برای اطلاع مردم فرمان ایران ذکر کنیم: «میزان»: «خورد با حزب توده و گنشته آن، خیانت و سر - سردگمی است به سویال - امپریالیسم روس شایان توجه و دقت بسیاری داشته. این خائنان تا به امروز دهها سبقت عوض کرده اند. لیکن از برای کله سیاست های آنان

امام خمینی:

طبقه محروم و گودنشین این انقلاب را به ثمر رسانید

* کاخ نشینها برای این ملت و برای این جنگ، هیچ کاری نکرده اند و نخواهند کرد

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۶۰، در مقابل گروهی از گودنشینان و ساکنین جنوب شهر تهران طی سخنان مهمی باز دیگر تاکید کردند که انقلاب ما مرفهون طبقه مستغنی و محروم است. رهبر انقلاب در سخنان خود از جمله گفتند: «این انقلاب مهم اسلامی زمین کوششهای این طبقه است. طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه ای که این نیت را به ثمر رساند و توفیق هم نداشت، من شما را، طبقه گودنشینان را، از آن کاخ نشینان بالاتر میدانم، اگر آنها بقیه در صفحه ۴

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی به مناسبت برگزاری کنگره شانزدهم حزب کمونیست چکسلواکی

وفقای عزیز!
بنیاست برگزاری کنگره شانزدهم حزب کمونیست چکسلواکی، بهترین و صمیمانه ترین شادباش های خود را بشما، به نمایندگان کنگره، به همه اعضای حزب کمونیست چکسلواکی و به همه دوستان، مینویسم و توفیق خواهان جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی تقدیم میکنم. ما اطمینان کامل داریم که حزب شما، بر پایه اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتوری، توفیق خواهد یافت تا ساختمان نظام پیشرفته سوسیالیسم را در کشور شما با شتابی بیش از پیش تا مین سازد. کشور شما یک عضو استوار جامعه کشورهای سوسیالیستی و حزب شما یک عضو وفادار و صادق خانواده احزاب کمونیستی و کارگری جهان است. حزب توده ایران، بعنوان یک حزب برادر، کوششهای شما را برای تکمیل صلح جهانی، که با همبستگی همه جانبه با ما یازده ضد امپریالیستی خلقها همراه است، با ستایش دنبال میکند. وفقای عزیز!
چنانکه میدانید، در همین ۱۳۵۷، پس از سالهای دراز بیگار بسیار دشوار، خلق ما به سرنگون ساختن یکی از جبارترین و رابستترین رژیمهای جهان موفق شد. خلق ما رژیم تبهکار پهلوی را درهم کوبید و یکسری از بزرگترین پایگاههای امپریالیسم ایالات متحده آمریکا را در منطقه بزرگ در آورد. انقلاب خدامپریالیستی و مردمی کشور ما افتخار و بدیشت تازه ای در برابر تکامل اجتماعی - سیاسی کشور ما گشود. بقیه در صفحه ۴

مشله سیاسی حکومتی، پس از انقلاب بود، تنها با یافت پاسخ صحیح برای این مشله بود که مشهد تمام مسائل دیگر از قبیل یکبارگی، گرمسنگ، چهل، عقید ماندگی و... را حل کرد.

مشله سیاسی حکومتی، پس از انقلاب بود، تنها با یافت پاسخ صحیح برای این مشله بود که مشهد تمام مسائل دیگر از قبیل یکبارگی، گرمسنگ، چهل، عقید ماندگی و... را حل کرد. دو کرانه های انقلابی (بخصوص درشتگران نظامی که در پیبازی از این کشورها رهبری جنبش استقلال طلبانه را در دست داشتند، بسادگی توانستند این پاسخ صحیح را بیابند. بیشترشان مدتها در تبع و خم تجسسها و صورت خیار برانانه سر در گم ماندند که در جستجوی راه سوم، نه سرمایه داری باشد و نه سوسیالیسم، به دری زدند و نوبت بازگشتند. برخی از آنان که چون جلال عبدالناصر، در آفریقا و دیای عرب است. گروهی از انسان انقلابی، که به رهبری معمر قذافی رژیم سلطنتی را در لیبی سرنگون کردند و حکومت را در آن کشور بدست گرفتند نیز از همان سرمایه داری در داخل و پندسنان راه رشد آینده و روش خود را در برابر دولتهاک اقتصادی اجتماعی موجود، یعنی سرمایه داری و سوسیالیسم تعیین کردند. بر خوانندگان پوشیده نیست که خیانت سادات، که با کمک امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، پس از مرگ (یا قتل) ناصر به ریاست جمهوری رسیده، این راه رشد و سیاست را در نیمه راه متوقف کرد و سپس آنرا به عقب، به سوی راه رشد سرمایه داری و همکارگی هیستکی بسا امپریالیسم و سبویسیسم برگرداند و اکنون من یکبارگی بزرگترین پایگاههای امپریالیسم در آفریقا و دیای عرب است. گروهی از انسان انقلابی، بدست میاورد. مدین خالافرانای سلطنتی را در لیبی سرنگون کردند و حکومت را در آن کشور بدست گرفتند، با قاطعیت و بقیه در صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

رفقا «رحمان نظری مقدم» و «کامران معافی مدنی» را آزاد کنید

دو تن از مسئولین حزب توده ایران در شهرستان تکاب، به نامهای رحمان نظری مقدم و کامران معافی مدنی، که در حوادث و درگیریهای شهرستان راسر به وسیله سپاه پاسداران این شهرستان دستگیر شده بودند، برای محاکمه به شهرستان رشت منتقل شدند. ما ضمن اظهار تأسف از برخورد نادرست مسئولان امنیتی در این دو تن، خواستار آزادی فوری آنها، درگیریهای شهرستان راسر به جلویکری از ایجاد تشنگی و آشفته توطئه‌های رزکارنگ ضدانقلاب نگارند، هستیم.

نمایشگاه سالگرد انقلاب در زنجان

به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، نمایشگاهی به سیر انقلاب، توسط هنوداران حزب توده ایران در زنجان برپا شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. ولی متأسفانه ساعتی بعد، عناصر ضدانقلابی، غیرمعتادان را به آن حمله و آسرا پاره کردند.

رفیق خدر حاسمی آزاد شد

رفیق خدر حاسمی، یکی از هواداران حزب توده ایران در گنبد کاووس، که روز ۹ فروردین بطور غیرقانونی بازداشت شده بود، سرانجام با برخورد مسئولان و منطقی ندادن انقلاب کینش کاووس، روز ۱۳ فروردین آزاد شد.

ضد انقلاب میکوشد...

سازمان، متشکل کردن عناصر ضدانقلابی منطقه، مسلح کردن افراد ناآگاه و ایجاد محفلهای فعالیت ضدانقلابی خویش است. با کمال تأسف و تعجب مقامات مسئول و ارگانهای حفاظت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حرکات آشکارا ضدانقلابی، تشنگ آفرینی این عناصر مشکوک، چنانکه باید، جلویکری به عمل نمی‌آورند. به بیشک کم‌توجهی به برآمد و عمق فعالیت خرابکارانه این عناصر مشکوک از یکسو باعث جری شدن آنها میشود و از سوی دیگر پایه‌های جمهوری اسلامی ایران را به خط می‌اندازد.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، ضمن محکوم کردن این اعمال ضدانقلابی و فاشیستی، از مسئولین امنیتی طلبد که هرچه زودتر، برای شناسایی عوامل این خرابکاریها، توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی کنند، و با اتخاذ تدابیر مقتضی، از بروز این قبیل اعمال ضدانقلابی جلویکری به عمل آورند.

هوطنان میازار با هویتباری کامل و با درک شرایط خاص کنونی و آگاهی از دسیسه‌های رزکارنگ دشمنان خسارچی و داخلی انقلاب برای پسراندازی جمهوری اسلامی ایران، تمام نیرو و توان خود را برای خنثی کردن توطئه‌های خطرناک دشمنان در مبارزه انقلاب به کار گیرید. در مبارزه آشتیناپذیری خود علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم و عال داخلی آن باز هم مصمم تر و استوارتر عمل کنید. بیشک خون‌آشام خود پیروز خواهید شد. مرکز امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، ۶ فروردین ۱۳۶۰

قذافی، رهبر لیبی...

بقیه از صفحه ۱

بیکری از رشد عوامل سرمایه داری و لیبی در نزد حوضیخانه در بین آنان حائزانی چون سادات نیز یافت نشده است. امروز لیبی یکی از پایگاههای مبارزه ضد امپریالیستی در افریقا و درجهان عرب است. در یک کشور انقلابی نه می‌خواهند سرمایه‌داری را ریشه کن کنند، خود بخود جانی برای سیاستهای ضدسوسیالیستی و ضدشوروی باقی‌نماند. اکنون لیبی بسوی ترقی اجتماعی و سازندگی جامعه بسدون طبقات استوارگی پیش می‌رود و در این راه از کمک‌پذیری اتحادشوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردار است. جالب است که لیبی جامعه نوین خود را با شعارهای اسلامی بنا میکند، در این کشور نیز مانند مابین ما، اسلام انقلابی نقش‌صدا می‌بازد و سوسیالیسم داری دارد و بسبب دلیل نیز لیبی در معرض انوسوع وسیع است. توطئه‌ها از جانب ارتجاع عرب صبیونسم و امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا قرار گرفته است. سادات که خود تمام خاک مصر را پایگاه امپریالیسم آمریکا برای ضربت زدن بر جنبشهای انقلابی منطقه و قبلاً همه انقلاب ایران قرار داده است، لیبی را متهم میکند که به اتحاد شوروی پایگاه داده است!

قذافی در نطق خود بنمایشت یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب

انگلیسی «طبق» گفت: «ما به دوستی با شوروی افتخار میکنیم، اما نه اتحاد شوروی از ما تقاضای پایگاه کرده است نه ما امکان دارد که یک کشور خارجی در خاک خود پایگاه بدهیم. این رژیم‌های مزدور مصر، سوئان و مغرب هستند که در برابر اوپاران آمریکائی خود تسلیم شده و خلا خود را در اختیار آنان گذارده‌اند و با یورش بر ملتی که صاحب‌اختیار زوت خویش است و با سلاح در برابر آمریکا ایستادگی میکند، اقرا میزند»

ارتجاع غریب، صبیونسم بین‌المللی و امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، تمام نیروی خود را برضد لیبی بکار گرفته‌اند و این کشور کوچک انقلابی، به پشتیبانی دوستانش، در برابر تمام این توطئه‌ها و دسیسه‌ها ایستادگی میکند. زیرا برای از مدتها سرگردانی در وادی جهنم، بالاخره به این واقعیت میرسد است که حفظ استقلال جز با مبارزه بیگانه علیه سلطه امپریالیسم در خارج و مبارزه داری در داخل کشور ممکن نیست. رهبران لیبی

شاه ملعون هم ...

بقیه از صفحه ۱

شاه ملعون: «ما وقتی برای رساندن ایران به تمدن بزرگ فعالیت را آغاز کردیم، می‌دانستیم حزب توده که هدفی جز خیانت به مردم ما ندارد، سرپرده و سواست است. با یورش ایران مخالف است» (۱۶ مه ۱۳۴۲) رادیو اوینی: «حزب خان توده، این سرپرده سوسیال امپریالیسم شوروی، که هر روز دست به

امام خمینی ...

بقیه از صفحه ۱

لایق این باشند که با شما مقابله شوند... آنهایی که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند و کارشناسی هم تا آن اندازه که می‌توانستند می‌کردند و الان ما تا آنجا که بتواند می‌کنند امام خمینی از زندگی شما (طبقه محروم) این انقلاب را به نمر رساندند و گروه‌هایی که در سرتاسر کشور این انقلاب را به نمر رساندند، همان زن و مرد محروم و هائهایی که مستضعف هستند و کاختنیشیا آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاختنیشیا هستند که ضعیفند و بوسیداند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد. رهبر انقلاب گفتند: آنهایی که هیچ سعی در این میدان نداشتند و جز خرابکاری از آنها کاری ساخته نیست و الان هم در گوشه و کنار مشغول به خرابکاری هستند، آنها بودند که کنار نسته بودند و منتظر این بودند که یکطرف غلبه کند و آنها بیاوند و بره‌برداری کنند، میوه‌چینی کنند، وقتی دیدند که چهپوری اسلامی آنها میوه‌چینی‌هایی را که اینها می‌خواهند، موافق برآمده‌اش نیست، آنها هم مشغول به خرابکاری شدند. امام خمینی همچنین تاکید کردند: «ما همه رهبن ملت شما هستیم و اگر لایق باشیم خدمتگزار شما. شما بودید که در میدانها، در خیابانها، اجتماع گردید و با منت گره کرده در مقابل توب و توب و مسلسل و اینها ایستادید و با ایستادگی و شجاعت، زن و مرد، ثامن و بزرگ و کوچک شما، فداکاری کرد و ششید دان تا غلبه کرد و الان هم که در جبهه‌ها جنگ است، با این طبقه محرومند که در تلویزیون نشان می‌دهد مشغول خدمت هستند. آن کاختنیشیا یک شاهی خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آنها اگر مشغول افتاد و فساد نباشند، بی تفاوت هستند.

رهبر انقلاب سپس ضمن قدردانی از عملیات دلوارانه رزمندگان نیروی هوایی در حمله به تاسیسات نظامی دشمن از تمام رزمندگان جبهه‌های جنگ تجلیل کردند.

امام خمینی گفتند: «همین طبقه (طبقه محروم) هستند که برای ملت ما ارزش ایجاد می‌کنند و شایسته آنها به همه دنیا ثابت می‌کند که این طبقاتی که مشغول به فعالیت هستند در شجاعت فوق آن چیزی است که تصور می‌کنند. ما هر روز شاهد یک پیروزی‌هایی در جبهه‌ها هستیم. که همه آنها سرتاسر این جبهه‌ها را، هستند آنجاها و فعالیت می‌کنند و آنها هم از همین طبقه محروم، لکن طبقه فوق همه طبقات هستند، چنانچه شما هم و همه کسانیکه زن و مردی که در پشت جبهه هستید، همه مشغول فداکاری و مشغول جنگ هستید»

پیام کمیته مرکزی ...

بقیه از صفحه ۱

از پیروزی انقلاب ما تاکنون بیش از دوسال میگذرد. در این مدت کشور ما بیوسته آماج توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، نیروهای ضدانقلاب داخلی و متحدان و مزدوران آمریکا در منطقه بوده است. در طول این دوسال و چندماه، دشمنان انقلاب ایران هرچه در تیر و تیغ داشتند، بکار بردند تا انقلاب ما را نابود کنند و کشور ما را، که بهیچ‌چنان گرامی برای دوستیایی به استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی پرداخته است، با اردیگر زیر سلطه خود در آورند. جنگ تحمیلی داروسته مدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، آخرین نمونه این تلاش‌براندازانه است.

هم‌اکنون در کشور ما نبرد طبقاتی شدیدی در جریان است و انقلاب با دشمنان فراوانی روبروست. در میان این دشمنان باید بپورزه از سرمایه‌داری لیبی یاد کنیم، که نقش شومی در این مبارزه ایفا میکند. سرمایه‌داری لیبی، که از عمیق انقلاب براساس افتاده است و منافع طبقاتی خود را در خط می‌بیند، پیش از پیش به جاده صاف کن ضدانقلاب تبدیل میشود. آرزوی دیگر، علیه رژیمه ضدشوروی و مخاطرات بوجود، خلق ما به مبارزه جایزانه خویش ادامه میدهد و عزم راسخ دارد، تا از دستاوردهای انقلاب با همه نیرو دفاع کند. ما املیمان کامل داریم که در این مبارزه، همه نیروهای ترقی‌خواه و آزاده جهان، بپورزه کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای آزادی‌بخش ملی و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری کمک‌کنان از خلق ما پشتیبانی خواهند کرد. ضمن آرزوی پیروزی هرچه بیشتر کنگره شانزدهم، با رویکرد این رویداد بزرگ را به شما شادباش می‌گوییم. در راه‌های رفیقا

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی

دلفای گرامی، با سیاستگرایی از دعوت شما برای شرکت در کنگره شانزدهم حزب کمونیست چکسلواکی، متأسفانه بملت محدودیت‌هایی، که در زمینه خروج از کشور پیش آمده است، کسب نمایندگان حزب ما تا آخرین لحظه ممکن نشد. ضمن آرزوی موفقیت برای کنگره شانزدهم، بیامی باین مناسبت برایتان ارسال می‌داریم. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

دولت نتوانست مجموع بودجه سال ۱۳۶۰ را تنظیم کند و از مجلس شورای اسلامی بگذرد. تعویب ۱۳ ساله خودگردانی ها و مشکلات جدی در راه توسعه و تصویب بودجه منتهی است. این گرفتاری ها و مشکلات از کما نایمی موجود: عمل اصلی آن چیست؟ یا دولتی می تواند در حل این مشکلات مداخله نماید؟ نوشته سعی می کند به این سئوال ها پاسخ دهد.

تأثیر تصویب لایحه ۲/۱۱

تصویب بودجه صورت گرفته و لویسار ضروری می باشد، بهرچه اقتصاد مفیدی نیست. این اقدام گذشته، حصول درآمدهای آخر عمر طاغوت بود. اما به واقعاً کمترین می گردد. و اثرات روانی نامطلوبی بر کل جامعه می گذارد. با وجود اینکه هر چه سریعتر بودجه کل سالانه کشور را تدوین کرد و از تصویب بگذرانند. این کار گام عملی است. این مشکل لایحه ای است که دولت قادر به حل آن نباشد. همه صرف بر سر است که این مشکل و نظایران بررسی شناخته شود و مراحل حل متشاب برای رفع آن اتخاذ گردد.

بودجه های طاغوتی و عواقب آن

تورم، گران و اختلال اقتصادی از تمصیبات و عوارض بودجه های تنظیمی بود. این اقدام گذشته، حصول درآمدهای آخر عمر طاغوت بود. در نتیجه منتهی، یکی از علل اصلی بحران بهداشتی هم از اختلالات عظیم بود. که رژیم گذشته قادر به برطرف کردن آنها نبود. در اس خاکمیت، طبقات متوسط و سربزه ها با بیمه فراوان و تنگنای بودجه افزایش گرفت. اختلال اقتصادی بود می بردند. رفع مشکلات بودجه وجود خود را در دست نشاندند که به قدری قدرتی بودند. با این حال رژیم سرگونی بود. تا آنکه از تجدید نظر اساسی، بودجه دست آید با مالک علل گرفتاری ها و مشکلات ناشی از آن رفع گردد.

پیروزی انقلاب ضدامیرالسمی و مردمی، با سرنگونی رژیم سلطنتی وابسته و درهم گشتن پایه های تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی امیرالسم و فرجه اول امیرالسم آمریکا بر ایران، شرایط لازم را برای اتخاذ تغییرات اساسی در بودجه سلطنتی فراهم آورد. انقلاب ضدامیرالسمی و مردمی باید در بودجه دولتی نیز انعکاس کامل خود را بپیدا کند.

علت عدم توانایی در تنظیم بودجه ۱۳۶۰ چیست؟

سال سومی است که از تسلط رژیم دست نشاندگان سلطنتی و طایفه امیرالسمی و حامیان آنها، با اتمام تسلط بودجه بهمان صورت قبل و در مواردی حتی حادثه از آن بقوت خود باقی مانده است. این بدان معنی است که تنظیم بودجه، که از گذشته تمام عیار سیاست اقتصادی است، چنانکه مأمور بود بودجه بودجه و مردمی اقتصادی ندارد. تغییر و تحول سیاستها در روش استفاده از کلیه مشکلات مالی درآمدها و خرج بودجه را در تغییرات چندانی اتفاق نیفتاد. بنابراین مشکل اصلی در تنظیم بودجه ۱۳۶۰ در آنست که هنوز رژیم سلطنتی بودجه منتهی بود. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است.

مبانی تنظیم و تدوین بودجه در دوران طاغوت

بودجه در زمان رژیم طاغوت، بودجه رژیمی دست نشاندگان و وابسته به امیرالسم و حامیان آنها، با اتمام تسلط بودجه بهمان صورت قبل و در مواردی حتی حادثه از آن بقوت خود باقی مانده است. این بدان معنی است که تنظیم بودجه، که از گذشته تمام عیار سیاست اقتصادی است، چنانکه مأمور بود بودجه بودجه و مردمی اقتصادی ندارد. تغییر و تحول سیاستها در روش استفاده از کلیه مشکلات مالی درآمدها و خرج بودجه را در تغییرات چندانی اتفاق نیفتاد. بنابراین مشکل اصلی در تنظیم بودجه ۱۳۶۰ در آنست که هنوز رژیم سلطنتی بودجه منتهی بود. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است. بودجه یک رژیم سلطنتی است.

اصول اساسی بودجه انقلابی

بودجه ای که بر پیروزی انقلاب ضدامیرالسمی و مردمی تنظیم می شود، باید مبتنی بر رعایت مصلحت عموم خلق باشد و بنا به مصلحت استقلال و آزادی مملکت و تقویت مبانی اقتصادی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تنظیم گردد. به سخن دیگر، بودجه باید تحولات عظیم اقتصادی و سیاسی ما را در خود منعکس سازد و به مبنای تاسیس منابع اکثریتی خلق و استقلال کشور، چه در آنچه مربوط به تامین درآمدها و چه در آنچه مربوط به تمحصین هزینه های توسعه و تجهیز و تحول باشد. در بودجه رژیم ضدامیرالسمی و مردمی دیگر منابع درآمد بودجه نمی تواند فروزون بیابد و باید به ترتیب و در پایداری مالیات های غیر مستقیم تنظیم باشد. رعایت استفاده از ذخایر نفت به منظور تامین هزینه های بسیار ضروری آن هم در هزینه های مصرفی، بلکه تنها هزینه های دفاعی و سرمایه های از اصول مسلمی است که باید

در تدوین بودجه رژیم صدامیرالسمی و مردمی در نظر گرفته شود. هم چنین برداشتی بار مالیات های غیر مستقیم از دوش زحمتکاران و اجرای عدالت مالیاتی، به نظری که صاحبان درآمد های کلان عمدهات بیشتر در پرداخت درآمدهای بودجه به عهده گیرند، از مسائل اساسی دیگر تحول بودجه در جهت مردمی شدن است. هزینه های بودجه نیز باید در جهت تامین دورنمای ضدامیرالسمی و مردمی انقلاب تغییر و تحول باید. این امر مستقیم است. مگر آنکه در تقسیم درآمدها، در درجه اول تاسیس هزینه های امور اقتصادی - شامل رشد تولید صنعتی و کشاورزی، تاسیس هزینه های امور اجتماعی - شامل آموزش، بهداشت، تاسیس اجتماعی، افزایش باید و هزینه های امور عمومی، که معمولاً تا قبل از انقلاب و دستگام تروم دولتی است، کاهش داده شود. البته در شرایط استثنائی کمونی، زیرا در غیر این صورت بودجه، که اهرم نیرومند بود. معنی دفاع از انقلاب و تمام ارضی است. از اولویت برخوردار است. اما حتی چنین اولوستی مانع از آن نیست و نباید باشد که در هزینه های بودجه، در جهت انعکاس هدف های ضدامیرالسمی و مردمی انقلاب، تغییر و تحول عمیق داده شود. زیرا در غیر این صورت بودجه، که اهرم نیرومند مالی - اقتصادی است. اگر مطابق با نیازمندی های انقلاب عمل و تحول باشد، در جهت مصلحت و اعتبار و اعتبار رانده شده از حاکمیت غیر خواهد کرد و در نتیجه به تنهایی از تثبیت و تحکیم انقلاب جلوگیری خواهد نمود. بلکه زمینه رحمت به عقب و بازگشت و حاکمیت و فراهم خواهد آورد. مبنای اندهای بودجه، تغییر و تحول اساسی در بودجه، مناسب و منطبق با اهداف اساسی انقلاب ضدامیرالسمی و مردمی است. تا چه حد تا این اهمیت جدی و فاجعه است. لذا این کاری نیست که سرسری گرفته شود و به شکل ماری به هر جهت حل و فصل گردد. تغییر و تحول اساسی و بنیادی در بودجه از مسائل اساسی و سرزودت ساز است. کاری است که باید بلافاصله پس از پیروزی انقلاب صورت می گرفت. با انقلاب و جامعه خواهد بود. چنین تحولی برخوردار می گردید: اما آرام آرامی که در هر اثره می شود، بسیار آنت است که متأسفانه چنین تغییر و تحولی، با وجود گذشت دو سال از پیروزی انقلاب، هنوز هم صورت نگرفته است. با وجود چنین وضعی تصادفی

بودجه سال ۱۳۶۰

و انتظاراتی که مردم از آن دارند

سیستم، اگر انقلاب با بسیاری از مشکلات مالی، اقتصادی و اجتماعی مواجه شده، که نمی بایست نبود، در حالی که معکس انتظار آن بود. و در صورت تحقق تغییرات اساسی و بنیادی در بودجه چنین نیز می شد. کمساری از مشکلات بهمانند در دوران طاغوت، مانند گران، تورم، اختلال در وضع اقتصادی و اجتماعی و مسخیت تاحد زیادی از ازمیان برداشته شود. و هزینه های رفع آن ها به بطور کامل فراهم آید.

نتایجی که از مقایسه ارقام بودجه در سه سال اخیر بدست می آید

قبل از آنکه مقایسه ارقامی بودجه را در سه سال اخیر (۱۳۵۷، ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹) در خود منعکس می سازد، تذکر می طلب را ضروری می دانیم: سال ۱۳۵۶ تدوین و تصویب گردیده، ارقام بودجه های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ منعکس کننده بودجه دولت های انقلاب است. لذا مقایسه ارقام بودجه ۱۳۵۷ با ارقام بودجه های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ باید تفاوت اساسی و بنیادی می داشت. متأسفانه، چنانکه خواهیم دید، چنین تفاوتی مشاهده نمی شود. و این خود بیانگر آنست که هر چه رژیم طاغوت سرگونی شده، اما دو سال پس از پیروزی انقلاب، اصول اساسی بودجه آن هم همان بقوت جسمی خود باقیست و به تخریب اقتصاد و مالمه رژیم نوبتی جمهوری ادامه می دهد.

الف- در زمینه درآمدها

جداول شماره ۱ و ۲، در زیر مشاهده می کنید، وضع درآمدها و منابع آن را در بودجه سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ نشان می دهد:

درآمدنا مالیاتی	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
۱- مالیات بر شرکتها	۲۰/۱	۱۴۷/۹	۱۵۰/۹
۲- مالیات بر درآمد	۵۵/۸	۴۴/۹	۴۰/۰
۳- مالیات بر تروت	۵۹/۲	۴۸/۷	۸۵/۵
۴- مالیات بر واردات	۲۵/۴	۳۵/۷	۷۲/۰
۵- مالیات بر مصرف و فروش	۸/۸	۳/۲	۹/۲
جمع (۵۵۴)	۲۹/۹	۳۰۶/۴	۴۲۰/۰

به طوریکه در جدول شماره ایدمه می شود، در وضع درآمدهای بودجه، طی سالهای ۱۳۵۷ و سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، تغییر محسوس صورت گرفته، بلکه روند سابق به صورت سهم درآمد نفت و گاز هم چنان رو به افزایش بوده است. خالب این که، رقم مالیات ها در بودجه، در دو ساله پس از انقلاب، نسبت به ۱۳۵۷ کاهش پیدا کرده است. ما بعداً به این مسئله به تفصیل بیشتر خواهیم پرداخت.

بودجه سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، با وجود امکانات وسیعی که بر اثر کاهش در هزینه های نظامی و راند و کود داشته، هم چنان کمبود بودجه ۱۳۵۷ با مبالغ عظیم گسری در آمد تنظیم شده، و جایگزین آن که، همانند بودجه های دوران طاغوت مبلغ اساسی و بیشتر از گسری به حساب استفاده از اعتبارات

سیستم بانکی تاسیس شده است. تکه پیش از پیش به درآمد نفتی و گاز برای تامین درآمد بودجه و استفاده از اعتبارات سیستم بانکی برای حوران کسر بودجه، از نقاط ضعف اساسی بودجه های طاغوت بود، که مختل عظیم وضع اقتصادی و معیشت عمومی ثمل از پیروزی انقلاب منجر شد. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب به فقط جلوی آن وضع گرفته نشده، بلکه با افزایش سهم درآمد نفت، گاز و درآمد بودجه و تاسیس گسری آن راه اعتبارات سیستم بانکی، متأسفانه مغرب راه میدارد فراختری داده شده است. تشدید تورم به بطور بی سابقه و اختلال مالی دولتی پس از انقلاب، نتیجه مستقیم چنین وضعی است.

احد آن ها از صاحبان درآمدهای عظیم ایجاد کرده است. متأسفانه ارقام جدول شماره ۲ نشان می دهد که در بودجه مالیاتی، در بودجه های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به فقط نسبت به ۱۳۵۷ افزایش قابل ملاحظه پیدا کرده، بلکه کاهش نیز یافته است. درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۵۷، که مبلغ ۲۹۱/۵ میلیارد ریال بوده، در سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به ترتیب به ۳۶۱/۴ و ۳۶۴/۷ میلیارد ریال کاهش پیدا کرده، که ۱۵۸/۸ و ۱۷۰/۱ میلیارد ریال از بابت مالیات های غیر مستقیم (مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش) اخذ گردیده است.

جدول شماره ۲ حاوی تکات بسیار مهمی است. مثلا مالیات بر شرکتها، طی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، از رقم ۲۰/۱ میلیارد ریال به ارقام ۱۴۷/۹ و ۱۵۰/۹ میلیارد ریال کاهش یافته؛ که در آن سهم مالیات های خاص حقوقی غیر دولتی به ترتیب ارقام ۵۵/۸ و ۴۴/۹ و ۴۰/۰ میلیارد ریال از تشکیل می دهد. بالاخره رقم تسهیلات از میان رفتن از دور بر و حتی بیشتر و افزایش واردات بخش خصوصی و غیر قابل انکار وضع مالی - اقتصادی کشور در دو ساله پس از انقلاب است. با این وجود، رقم درآمدهای از اشخاص حقوقی غیر دولتی، که سهم بسیار ناچیزی در بودجه های طاغوت را تشکیل می داده، به فقط افزایش چشمگیری در این بخش می باشد. این مالیات ها بهمانند می توانست تا از ارقام ده ها میلیارد ریال افزایش یابد. لکن، چنانکه می بینیم، از ۵۵/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۴۰/۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ کاهش پیدا کرده است.

اما ارقام مالیات بر درآمد، چنان که دیدیم می شود، حاکمیت که رقم مالیات بر مشاغل آزاد و مستغلات در آن ارقام ناچیز، کمتر از ۱۰ میلیارد ریال در سال را تشکیل می دهد. در بودجه ۱۳۵۷ رقم مالیات از مشاغل آزاد و مستغلات به ترتیب ۸/۸ و ۴/۹ میلیارد ریال بوده، که در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ تقریباً ثابت مانده و شامل ۴ و ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۹ می گردد.

پس از انقلاب می بایست تغییرات عظیم در مالیات بر مستغلات و مشاغل آزاد صورت می گرفت و جمعا مبلغ آن می توانست هر یک سالانه به صد ها میلیارد ریال بالغ گردد. لکن، چنانکه می بینیم، ثروت منتهی که در رژیم طاغوت صد ها میلیارد ریال تروت به حیب رده اند؛ هم اکنون تنها از ۱۰۰ میلیارد ریال آلاخره، به سالیانه صد ها میلیارد ریال درآمد دارند. مانند دوران طاغوت از پرداخت مالیات واقعی معاف نگشته شده اند.

در شماره ۲۶ اسفند ۱۳۵۹ روزنامه کیهان شکایت یکی از مستاجرین نجاب شده است. این مستاجر، که در بازار کاشانها کار می کند، برسا اعلام می دارد که ماهی ۷۵۰ تومان اجاره می دهد و مالک مکان او ۲۵۰ نفر مستاجر دیگر هم دارد! اگر رقم متوسط دریافتی این مالک را از هر ملک اجاره، به ماه رقم تومان محاسبه کنیم، این مالک از هر سال ۴۵ میلیون و ۵۰۰ میلیون ریال حداقل اجاره دریافت می کند! این دریافتی تنها یک صاحب ملک در کشوری است که صد ها هزار و بلکه میلیون ها اجارتمندی دارد. آن وقت رقمی که بابت مالیات مستغلات دریافت می شود، ۴ میلیارد ریال در سال!

بقعه در صفحه ۶

به میلیارد ریال	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
۱- درآمدهای عمومی	۴۶۵/۹	۴۶۱/۴	۴۱۸/۲
مالیات	۱۰۱۱/۷	۱۳۸۷/۸	۱۷۵۲/۰
درآمد نفت و گاز	۲۲۰/۲	۱۷۶/۲	۱۲۱/۰
سایر درآمدها			
جمع	۱۶۹۹/۳	۳۰۵۵/۴	۳۳۱۳/۷
۲- درآمدهای اختصاصی	۱۳۸/۴	۸۲/۱	۱۲۱/۷
جمع درآمدها	۱۸۳۷/۲	۳۱۳۷/۵	۳۴۴۵/۴
۳- کسری درآمد نسبت به پرداختها	۵۰۸/۵	۳۵۵/۵	۳۹۴/۲
۴- منابع تامین کسری - استفاده از اعتبارات	۲۵۰/۰	۳۵۲/۸	۳۳۴/۲
سیستم بانکی			

کارگران: انقلاب قانون خود را دارد و آن دفاع از زحمتکشان در برابر استثمار است.

مسئولین اداره کار را که باید موضع شرکت «بوتاسافت» رسدگی کنند

کارگران اظهار می‌دارند: «درست است که قانون کار هنوز تصویب نگرفته است و طبق ضوابط ظاهری اخراج کارگران برای کارفرما مثل آت خوردن است، ولی انقلاب هم قانونی دارد. قانون انقلاب حکم می‌کند که اداره کار وضع شرکت را مورد بررسی قرار دهد، زیرا تنها هنگامی که دلایل منطقی برای اخراج کارگران وجود داشته باشد، کارفرما می‌تواند به این کار دست بزند. در حالیکه اداره کار هم عملاً بی‌توجهی می‌کند، جنبه کارفرما را می‌گیرد. این کار شایسته تکلیفی است که باید به نفع کارگران عمل کند و داده مستضعفین راستند، نیست. اما متأسفانه در اداره کار، ارکان، ظاهر اصولاً بی‌طرف است، اما در واقع به نفع کارفرما عمل می‌کند. مسئولین این شرکت در این باره می‌گویند: «شرکت با بدینا جدید کارگران بیشتر به کار، هم کار اتمام ساختمان کارخانه را تسریع کند و هم از تعداد دیگاران بکاهد، نه آنکه با اخراج کارگران از بیشتر کارکنان خود دست ببرد. ما هم می‌دانیم که کارفرما محدود هم تعداد کارکنان می‌تواند، و در این زمینه هم کارفرما را محدود نمی‌کند.»

کارگران می‌گویند: «شرکت با بدینا جدید کارگران بیشتر به کار، هم کار اتمام ساختمان کارخانه را تسریع کند و هم از تعداد دیگاران بکاهد، نه آنکه با اخراج کارگران از بیشتر کارکنان خود دست ببرد. ما هم می‌دانیم که کارفرما محدود هم تعداد کارکنان می‌تواند، و در این زمینه هم کارفرما را محدود نمی‌کند.»

برای انقلاب کار می‌کنیم، ولی همسر و فرزندمان ماهه نان احتیاج دارند. ما هم کارگران هستیم که در این انقلاب است، اینجا منتظر دریافت دستمزدمان هستیم. روز بعد، مدیر عامل، رئیس کارگاه و دیگر مسئولین شرکت در جمع کارگران حضور یافتند و اعلام کردند که تنها قادر به پرداخت دستمزدها نیستند و اگر حقوق کارگران را بپردازند، دیگر پولی برای تهیه مصالح نخواهند داشت و باید تعطیل شوند. پس از آنکه کارگران سرکار حاضر شدند، گفتند: «ما حاضریم از دریافت حقوق دیم و خودداری کنیم، و خودی که کارفرما را می‌باید، مسئولین شرکت به دروغ از آغاز مشکلات مالی رانندگی مشکل کارخانه اعلام کرده‌اند، گفتند: «مسئله ما این چندان مهم نیست، بلکه شرکت برای مدیریت صحیح احتیاج به برنامهریزی صحیح دارد و ما چاره کار باید متوقف شود.»

کارگران می‌گویند: «ما خود را مسئولین نمی‌دانیم، بلکه شرکت برای مدیریت صحیح احتیاج به برنامهریزی صحیح دارد و ما چاره کار باید متوقف شود.»

کارخانه «هنکل» را ملی کنید!

تورا و دور بودن کارخانه از اداره مرکزی (تهران) حجتی کرد. در این کارخانه هنوز ستاد بسیج تشکیل نشده است. ولی یک کار حفاظت وجود دارد که افراد آن از طرف کارفرما، مان کارگران انتخاب شده‌اند. و در مقابل دریافت دستمزد اضافی در وقت‌های شب و روز، از کارخانه حفاظت می‌کنند.

کارخانه هنکل دارای یک انبار کالا در تهران و یک انبار در تبریز است. در این کارخانه هیچ نوع تغییر و تحولی به این انقلاب بدیدنیافته است و فقط ستوان گفت که همه کارکنان خارجی شرکت ایران را ترک کرده‌اند، جز یک نفر. که در ایران مانده و بعنوان مدیرعامل کارخانه مشغول کار است. پس از تحریم اقتصادی ایران از جانب کشورهای آمریکا، روسیه و اروپا، کارخانه را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است و اغلب مواد آلومینیومی، فولادی، کوره‌های دومی، کوبیت، اطریش و گاهی هم بطور مستقیم وارد می‌شود. البته ورود این مواد از طریق غیر مستقیم خیلی گران تمام می‌شود و حتی بعضی اوقات قیمت آنها تا صد درصد و بیشتر افزایش می‌یابد.

کارگران کارخانه هنکل از مسئولین امری خواهند که: اولاً: کارخانه املی کند، ثانیاً: اقدامات لازم را در راه آماده کردن کارخانه با تمام حجم تولیدی بعمل آورند، ثالثاً: سوسی کارگران بیشتر به کارگزاران خود از سوی دیگر تولید بیشتر قدمی به سوی خودکفایی برداشته شود.

شرکت سهی صنعتی هنکل (سهی خاص) یک شرکت مد درسد آلمانی است که به کمپانی هنکل آلمان فدرال تعلق دارد و مرکز آن در شهر ویلدورف است. این کارخانه در شهر صنعتی المرز (قزوین) قرار دارد و حدود یکسال قبل از پیروزی انقلاب شروع به کار کرده است. چون کارخانه با تمام حجم تولیدی خود به کارگزاران داده است، لذا میزان تولید آن در حال حاضر بسیار کم است. در این کارخانه سی و شش کارگزار (جمعاً جبهه و دفتر) کار می‌کنند.

تولید کارخانه عبارتست از: انواع و اقسام مواد نساجی (آهار، شستو، نرم کننده، ...). انواع مواد دباغی (لور، روغن جرم، نرم کننده، ...). انواع مواد شیمیایی (انواع مواد جیب (حسب جوب، آهن، جرم، گاف، ...)). میزان تولید کارخانه از ژانویه ۱۹۸۰ تا پایان دسامبر ۱۹۸۰ نزدیک به صد تون می‌باشد. مواد اولیه آن، ناقل انقلاب، بیشتر از کارخانه مادر (دولسورف) تامین می‌شود. مقداری نیز از کوره‌های هلند، ایتالیا، انگلستان، ژاپن و ترکیه وارد می‌شود. تا گذشته که کمپانی هنکل در بیشتر کوره‌های جهان دارای کارخانه و شعبات، حتی در آمریکا، کارخانه هنکل دارای شورای کارگری است، ولی متأسفانه شورای کارگری لازم نیست و تاکنون کارچندی برای کارگران انجام داده است. علت آنرا می‌توان در کم توجهی به اهمیت

از اخراج کارگران «آسانسور سازی» جلوگیری کنید!

وزارت مسکن گفت که این گروه سرخوردگی غیرا مولی، به تنها مسکنی را حل نمی‌کند، بلکه زمینه سوء استفاده ضد انقلاب را نیز فراهم می‌آورد.

ما از مسئولین وزارت مسکن می‌خواهیم که هر چه زودتر دستمزد اخیر خود بند نظر معمل آورند و سعی کنند که از راه‌های دیگر، از جمله ساخت محصولات جدید، که با تجهیزات و ماشین آلات موجود در کارخانه امکان تولید آنهاست، به وظیفه انقلابی خود بیشتر عمل کنند.

همچنین در این کارخانه حقوق کارگران بسیار دیر به پرداخت می‌شود و این مسئله باعث نارضایتی کارگران می‌شود. ما توجه به این کارگران هیچگونه اندوخته‌ای ندارند، تا خبر دریافت دستمزد آنان بهیچ وجه خود را نیست.

کارخانه آسانسور سازی، واقع در مجتمع شهرداری قزوین، بعد از پیروزی انقلاب، تحت نظارت وزارت مسکن قرار گرفته است. تنها محصول این کارخانه آسانسور است، و به همین علت بار بار کسودن امدات ساختمان‌های بزرگ و جدید، سار در معرض تعطیل شدن قرار گرفته است، ولی خوشبختانه این مسئله، به سبب مبارزه بیکسیر کارگران و مدیریت کارخانه حل شده و کارخانه به کار خود ادامه داده است.

اخیراً وزارت مسکن به علت عدم دسترسی به طرح‌ها به ما های جدید، جهت ساخت محصولات تازه در این کارخانه، تصمیم به اخراج تعدادی از کارگران کارخانه قزوین، که در حدود ۴۵ نفر هستند، گرفته است.

متأسفانه با دیده مسئولان

در انترودجوبی بیمانکار:

با انفجار دینامیت، پیکریک کارگر قطعه قطعه شد!

قلب انسان را بزد می‌آورد. اما این دومین حادثه تکان دهنده و دلخراش است که مسئولین انبوه کار فرامست. سال پیش نیز، هنگامی که کارگران پس از اتمام کار سوار کامیون کمبری شدند، کامیون واژگون شد و دو تن از کارگران جان خود را از دست دادند. لازم به توضیح است که راننده این کامیون فاقد گواهینامه به سبب یک بوده است.

کارگران شرکت خواستار آنستند که مسئولین امر کارفرما بهیمانکار را وادار به رعایت ضوابط انسانی و قانونی کار کنند.

بنام گزارش خبرنگار نامه «مردم» از چالوس، در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۳، کارگری که مشغول بی‌کی جاله‌های خط انتقال نیرو (بست فرعی حسن کف) در کارگاه شرکت زاپتی فور و فابریک (کف) برای انفجار دینامیت، بیکسیر، تلاش می‌شد و کارگری از ناحیه صورت و چشم شدت آسیب دید.

کندن این جاله‌ها مهارت خاصی لازم دارد و آتشبار (کارگر مسئول این کار) باید به کار خود مسلط باشد. متأسفانه سودجویی بهیمانکار برای این که مبلغی اضافه بر مزد کارگر ماهری را بگیرد، به حادثه‌ای منجر شد که

۱۶/۷/۵۹ تعداد ۱۶ نفر در کارگاه اشتغال کارخانه‌ای که کلیه کارگران و خانواده‌های بلاملشان از برای تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌باشند، از جمله کارگران مذکور در روزنامه شماره فوق می‌بود. روزهای تأمین اجتماعی بری خود دارند. همچنین است همه کارگران کارخانه مذکور که در قسمت‌های فالسازی، چرخش، آجر چینی و آتشکار کوره اشتغال نگار دارند.



«سازمان تأمین اجتماعی» به «نامه مردم» پاسخ میدهد

پری حاجی اکبر دادآبادی که تولید آن از قبیل می‌باشد. ضمن بازری هائی که از کارگاه مذکور بعمل آمده معلوم شد در تاریخ ۵۹/۳/۲۲ تعداد ۲۵ نفر در تاریخ

«دو طرح جدید از پالایشگاه تبریز»

کارکنان آزمایشگاه پالایشگاه تبریز، هم چون سایر کارکنان، در دفاع از دستاوردهای انقلاب در برابر تهاجم امپریالیسم امریکایی و منافقان باحاصره اقتصادی، با تلاش شانه‌زوری خود توانسته‌اند دو طرح زیر را ارائه دهند:

۱- روغن سفید و گندسته کمپرسورها؛ روغن جاشیل و روان کننده؛ برگشتنی از لیمه کمپرسورها، که قبلاً دور ریخته میشد. اگر این روغن به مدت ۴۸ ساعت در ۱۳۰ درجه سانتیگراد حرارت نگهداری شود، نقطه اشتعال آن از ۸۰ به ۳۷۰ درجه سانتیگراد غلظت آن از ۵ به ۱۸ افزایش می‌یابد و به این ترتیب قابل استفاده در دستگاه‌هاست.

۲- تهیه سوخت برای مشعل کوره‌ها؛ سوختی مرکب از مواد زیرین

B.N H.D V.D L.V.G
۵۹/۰۱/۰۱، ۰۲/۰۳/۰۳، ۰۱/۱۰/۱۰

تجهیه می‌شود که نقطه «بزش آن صفر و قابل سوخت در دستگاه‌هایی است که از نفت‌کار بعنوان سوخت استفاده می‌کنند.

فتودالها جنایت میکنند

• با خون میخواهند جلوی قانون را بگیرند • با اجرای بند «ج» و «د» جلوی جنایات را بگیریم

تعمیق موقتی بند «ج» و «د» که عملاً فعالیت هشت‌های هفت‌تفری را ممنوع کرد، موجب شد که اربابان و خویشان این خیال‌خام را در سر بیاورند و دیگر انقلاب از دادن زمین به دهقانان تصرف شده و از این حکومت هم کاری نباشد دهقانان زحمتکش ساخته نیست. آنها دوباره، مثل لشکر بلم و نور، بدعات هجوم بردند و برای انتقام خوبی از حق - طلبی‌ها و مدارات دهقانی و منظور حکومتی از هرگونه حوطی استند، دست به جنایات هولناک علیه دهقانان و محضین علیه اعیانهای فداکار جهاد سازندگی و هشت‌های هفت‌تفری زدند. آنچه مالکان بزرگ در این مدت چندماه در دهات انجام داده‌اند، فظرفای است از سبب جنایات است: در صورت استقرار مجدد سلطه خود و عدم استیصال قاصدین و اذکار زین، در مقایس با کشور به راه خواهند ایداحت، استثمار و شاد بزرگ‌مالکان و خویشان تنها با همین تکیه‌کاری و رورویی‌های خون-ریزانه آنها می‌تواند بیولوژیک آنچه مالکان عمده در این چندماه عمیق موقتی بند «ج» و «د» بنقل آورده‌اند، گناه ناجیزی است در مقابل خون-ریزی‌ها و قتل‌ها، که اگر دست‌نشان برسد و بند «ج» و «د» اجرا شود، در تمام دهات انجام خواهند داد.

فعالیت فراوان و خشکی پایداری خانواده دهقان مبارز بود که او را از خطر برگ‌جات داد. فتودال‌خراسانی نه فقط می‌خواست اسدالله را بکشد، بلکه می‌خواست اراده حق‌طلبانهمه دهقانان را بکشد، می‌خواست این حرف حق را که «زمین مال ماست و هشت هفت نفری مجری قانون انقلاب است»، بکشد و نابود کند. توطئه بزرگ‌مالک تنها متوجه جان یک دهقان نیست، که این خود جنایتی است متوجه شدیدترین عقوبتها، بلکه متوجه فانی و علت وجودی انقلاب ماست، که این خود عملی است ضدانقلابی و در خور سرکوب قاطع و بی‌تردید. تاغبار است که بند «ج» و «د» موق شد و مالکان بزرگ چنین فرصت طلایی را برای انتقام جوسی و سرکوب حوطی‌های باقی‌مانده، تاغبار است که همچنان در برابر این خون-ریزی‌ها و توطئه‌ها عکس‌العمل قاطع نمی‌شود و حتی وقتی اسادی مالک جنگ‌باز در بی‌خورد دستگیر هم می‌شوند، بزور ارساطات و نفوذی که دارند، به قید سوگند «ا» آزاد می‌شوند.

حادثة آفرینی در غرب

چاماداران و تکمداران خویش اربابان یک‌هزار بسیاری از روستاها شده‌اند. آنها خصوصی‌اترابط دستور جنگی و اینکه حتی عمده سیاه فداکار باندداران انقلاب در حبه‌های جنگ سرگرم هستند، بی‌توجهی می‌کنند. آنها تعمیق بند «ج» و «د» را هم نپایه ساخته و بساط قدری بساغبای را برآه انداخته‌اند.

در منطقه پوراجند ۵۳۰ هکتار زمین در کجساران دو هزار هکتار که از جانب دادگاه انقلاب اسلامی ایران مصادره شده بود (و بنام سرای «ج» بند «د» شمار می‌رود) از طرف هشت هفت‌تفری قاصدین به دهقانان واگذار شد.

در کرمانشاه چندین هزار هکتار زمین به کشاورزان واگذار شده و در مناطق دیگر هم کم و بیش، تا این زمان که «بند «ج» و «د»» دچار فسترت شده بود عمل مثبت انجام گرفت. اما بزرگ‌مالکان این مناطق، که البته حاضر نیستند از غارت دیرینه خود دست بردارند و هیچ نوع «صحیح» یا «ارتداد» را که با منافع طبقاتی خود مطابق نمی‌دانند، قبول نمی‌کنند. دست از توطئه و صحنه‌سازی بر-نداشته‌اند و همچنان در تلاشند، تا جلورسدن حق به حقدار و زمین به دهقانان را بگیرند. تفکداریان آنها حادثه می‌آفرینند و جو منطقه را آلوده به تشنج و ناآرامی می‌سازند.

راه مقابله با این وضع، ممانعت نیست. عقب‌نشینی انقلاب در برابر ضدانقلاب نیست. نصیحت نیست. این ددان خون‌خوار، این زالوفشان و روگرد و فاسد، جز به سرکوب همه جانبه مستضعفین جز به ادامه عسارت و ستم‌گری، جز به نابودی انقلاب به چیز دیگری قانع نیستند. تنها راه عسارت از اجرای تمام و کمال قانون اجرای بند «ج» و «د» و «بند «ج» و «د»» مقابله با مصلحت‌ه‌بودن ممانعت است بزرگ‌مالکان و با جنایات آنان - آن چنانکه شایسته یک حکومت واقعا انقلابی و متکی به زحمتکشان است.

مسلسل در شیروان

در یکی از دهات اطراف شیروان، مالک ده زمین‌ها را تکیداشت و مانع کشت دهقانان شد، او چون تصمیم دهقانان را به کشت و اجرای فرمان امام خمینی، داریه به حاصل‌نگذاشتن

راضی، مشاهده کرد، تهدید کرد: اگر زمین‌های «ج» را زود کشت بپرید، سر هر مزرعه یک مسلسل می‌گیرم! او در واقع به فقط دهقانان، بلکه دولت انقلاب را تهدید می‌کرد و آن را به هیچ می‌گرفت. او فکر می‌کرد که در ایران انقلابی انجام شده، یا اگر مزرعه می‌تواند با مسلسلی که سر مزرعه می‌گذارد، از نیرات آن جلو ببرد! اما دهقانان آگاه و هشیار بودند. از تهدید ترسیدند و می‌دانستند که اگر متحد باشند، کوه را هم می‌توانند از جای برکنند، چه رسد به مالک بزرگ و مسلسل‌های او. اگر در اینجا تنها ده‌های انقلابی در کنار دهقانان قرار می‌گرفتند، می‌توانستند به آسانی بزرگ‌مالک را سر جای خود نشاندند، ولی بزرگ‌مالک اعمال نفوذ کرد. دهقانان از بی‌شناسی سپاه فروردار ترسیدند و مالک بزرگ فرصت یافت، تا توطئه خویش را تدارک بیند. در نتیجه و بغیر از دهقانان را دستگیر و زندانی کردند. دامنه توطئه تا جایی بالا گرفت که سفر از دهقانان به کوه گریختند، تا از ترس عمل ارباب در امان ماندن و توطئه قتل آنها بگری-انجام برسد. دهقانان آگاه، که به قدرت شکل خود وارد بودند، به

قتل در نزدیکی کرج

جنایت هولناکی که اسادی و عمال مسلح مالک بزرگ، ساتورفراری «رام» در نکلان - سواحلاج انجام دادند دهقانی را، که عضو شیروانی ده نسر بود، کشتند و در حق خانواده‌اش قمع‌ترین جنایات را به عمل آوردند. نمونه تک‌اندیشه و هتدردهنده دیگری است که نشان می‌دهد، اگر بزرگ‌مالکی از بین نرود و اگر بند «ج» و «د» هرچه رودتر



خبر از آنجا نشود، اگر اربابان با دام‌مغیظه خود مطمئن شوند، دهات ایران در انتظار چه تکیه‌کاری‌هایی خواهد بود. صفرعلی ناصر روستا دهقانی بود در روستای ایرانشهر (قبلاً «رام» شهر) در دو کیلومتری کرج - راه سواحلاج - که ضما در کارخانه تلویزیون پارس الکتریک نیز کارگری می‌کرده است. او کبدم و چندمتری - کاشت و از طرف دهقانان به عضویت شورای ده انتخاب شده بود. برادرش نیز عضو انقلابی هشت هفت نفری بود بردهقانان بی‌زمین و کم‌زمین می‌دیدند که صفرعلی از آنها جانانه دفاع می‌کند و او باشان عامل ارباب می‌دیدند که صفرعلی سابقتر راستن حق‌طلبی دهقانان شده است. چند بار او را تهدید کردند که باید ده را ترک کند، بکار کوشش کردند که خانه‌اش را آتش بزنند. در این اواخر عمال ارباب، اسلحه به کمر با او برد - خورد می‌کرده‌اند. تعمیق موقتی بند «ج» و «د» به آنها حرات بیشتری داده بود و فکر می‌کردند که دیگر نشان در روغن است. بالاخره ساعت شوم پورش تکیه‌کارانه فرا می‌رسد. عده‌ای بزور عوامل ارباب به خانه‌او، که کلمه‌ایست دور از آبادی حمله می‌برند. صفرعلی در آ می‌بیند. مهاجمین از پشت در او را بغیرا می‌زور می‌بندند و با زور در را باز می‌کنند.

مهاجمین از مزدوران افغانی بودند که عمال ارباب آنها را اجیر کرده بودند. صفرعلی مجروح و در حال خون‌ریزی را طاب بیج می‌کنند. با ردا به تریب شکلی سینه هفت صفر علی و بالای ران دختر شش ساله او را به گلوله می‌بندند. پسر و برادر صفرعلی را هم طاب بیج می‌کنند در دیوار را به گلوله می‌بندند تا مردم دهکده خبر شوند و مدو حرجین را به بیمارستان برسانند، مدتی میگذرد، صفرعلی، این دهقان قاطع‌طلب مومن به انقلاب امیدوار و بی‌ترمت انقلاب، در نتیجه جنایت هولناک ارباب به دنبال جراحت سخت، در بیمارستان جان می‌سپارد.

نحوه عمل نشان می‌دهد که به هیچ‌وجه صفرعلی زردی مورد نظر مهاجمین نبود. اگرچه جانان اینها و آخا اگر چیز بدتر خوری بوده، با خود برده‌اند. آنها گروهی اجیر شده در دست اربابان و فتودال‌های صدادان بودند. عمال رام با صفر علی توبه حساب کردند. آنها می‌خواستند همه دهقانان را در مغرب کنند و انقلاب را با جنایت خود بترسانند. آنها از فراریان افغانی عنوان وسیله ارتکاب جرم استفاده کردند. مردم دهکده و کارگران کارخانه و همه کسانی که صفرعلی ناصر روستا را می‌شناسند و، همانند آنها، همه مردمی که از این خبر با اطلاع شده و خواهند شد، می‌پرسند: تا کی باید دست عمال فتودال‌ها بازماند؟ چرا قاطعانه و انقلابی جلو جنایات اربابان گرفته نمی‌شود؟ چرا اجرای بند «ج» و «د» ریشه فسادگرده نمی‌شود؟ چرا به راه‌زنی و قتل توطئه ضدانقلابی، که حشیت حکومت را بر باد می‌دهد، خاتمه نمی‌دهند؟ چرا ما که خود بیش از یک میلیون آواره جنگی داریم، با آن همه مشکلات و مسائل، باید این چنین دست گروه‌های متشکک افغانی را، که اغلب به جاقاق و دزدی و آدم‌کشی و هتک ناموس می‌پیازند و عملاً جزء باند مسلح ضدانقلاب در درون ایران هستند باز بگذاریم؟

خون‌ریزی در تراژیک

امکان ندارد که تمام دهقانی‌های جنایت‌نگارنده بزرگ مالکان را، در همین چندماهه تعمیق بند «ج» و «د» بکشد. تازه بسیاری از آنها دبا پرده مانده و هنوز آفتابی نشده‌اند. صدها است، هزارهاست؟ لژی حتی یکی از آنها هم در جامعه انقلابی ما قابل تحمل نیست. حتی در یک‌بورد هم عمال فتودال‌ها نباید بتوانند دست به جنایت‌بزند توطئه ساز کنند. اما هر جا دست بزرگ‌مالکان رسیده و متاعنه به علت عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی در بسیاری جاها رسیده - حمله و جرح و قتل صورت گرفته است. تصفیت انقلاب و ایجاد ناراضی و بدبینی از دستگیری در میان دهقانان، یکی از نتایج این اعمال است. در روستای تراژیک، که در اطراف کبک در فرادار، هیئت‌ها کارداری کلیه اراضی مصادره شده را (بند «ج» و «د») در اختیار زابلی‌ها قرار می‌دهد، تا به صورت شوری و به‌طور جمعی کار و کشت کنند. بزرگ‌مالکان که دست‌رفته می‌دیدند، شروع به توطئه کردند. این بار آنها از راه دو بهم اندازی وارد شدند. علیه هشت هفت نفری شروع به دستمیزی کردند. نقیسه سرمنگه ۶

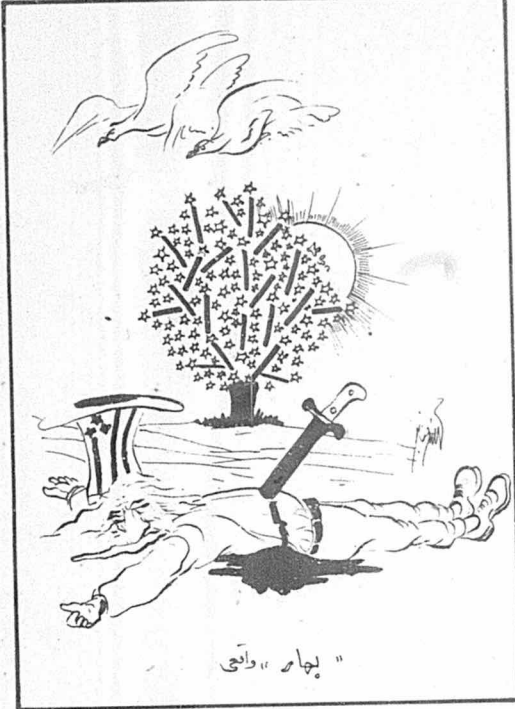
نمایشگاه پیروزی انقلاب در بجنورد

به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب مردم ایران نمایشگاهی از سوی سازمان حزب توده ایران در بجنورد در این شهر برپا شد. این نمایشگاه مورد استقبال مردم بجنورد قرار گرفت.



پیروزی انقلاب در شیروان

به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران از سوی اعضا و هیواداران حزب توده ایران در شیروان نمایشگاهی عکسی به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه در خیابان امام رضای این شهر برپا بود. مورد استقبال مردم قرار گرفت.



بهار، واقعی

فتودال ها جنایت ...

بقیه از صفحه ۵
شعارهای ضد انقلابی را مطرح ساختند. حتی اعلام یکی از اعضای هیئت را خواستار شدند! به تحریک دست زدند. در این جریان، متأسفانه، عزیز با باکوگی، یکی از دهقانان زحمتکش، به دست یک دهقان زاپالی کشته شد. ولی همه می دانند که کمترین اصلی و محرک اصلی، سزرگ مالک است. فتودال های منطقه، بعد از ترویج بند "ج" و بند "د" و بعدن با ارتباطاتی که با برخی مقامات غیر- مسئول و با روحانی نمایان گرفتند، جان تازه ای یافتند. آنها فاشیون شورای انقلاب را، که به صورتی سه قفبه منسوب امام خمینی رسیده است، "طرح کمونیستی خواندند. گفته

بودجه سال ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۳
ب- در زمینه هزینه ها

وضع هزینه های بودجه به صورتی نیست که در مورد وضع درآمد هلیان کردیم. در این جا تغییرات مطلوبی مسود گاهش هزینه های نظامی و افزایش هزینه های اقتصادی در سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ مشاهده می شود. مثلا هزینه های نظامی، که در بودجه ۱۳۵۷ مبلغ ۵۹۰/۲ میلیارد ریال بوده، در بودجه های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به ترتیب به مبلغ ۳۵۸/۸ و ۳۷۷/۲ میلیارد ریال کاهش داده شده، که از نکات مثبت است. این هزینه در سال ۱۳۵۸ امکان کاهش بیشتر را هم داشت، گرچه در سال ۱۳۵۹ افزایش آن، به مناسبت تحمیل جنگ تجاوزکارانه آمریکا بوسیله صدام به کشور ما، امری ضرور به شمار می رود. هم چنین پرداخت های اقتصادی در بودجه های پس از انقلاب، از رقم ۶۳۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ارقام ۹۳۶/۶ و ۹۶۷/۸ میلیارد ریال افزایش داده شد، که البته مبالغ ۲۲۴ و ۲۰۷/۱ میلیارد ریال آن مربوط به بودجه نفت است، که در سال های قبل از آن، به دلیل این که نفت ایران در تصرف کسرسوم بین المللی نفت بود در بودجه منظور نمی شد.

تغییرات در کاهش هزینه های نظامی و افزایش هزینه های اقتصادی از نکات مثبت تغییر بودجه است. با این حال نمی توان این نکته را متذکر نشد که متأسفانه هزینه های امور عمومی، شامل هزینه گاهداری دستگاه متروم دولتی، از ۱۶۱/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷، به ۲۳۷/۵ و ۲۲۴/۹ میلیارد ریال در سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۵۸ افزایش داده شده، که از نکات منفی است. هم چنین هزینه های اجتماعی در بودجه، که در سال ۱۳۵۷ شامل رقم ۶۰۴/۵ میلیارد ریال بوده، در سال ۱۳۵۸ به یکباره به رقم ۳۹۱/۹ میلیارد ریال تنزل داده شده، که در سال ۱۳۵۹ مجدداً به ۵۲۲/۶ میلیارد ریال افزایش یافته است. بودجه سال ۱۳۵۸ بوسیله دولت "کام به کام" تنظیم شد و این امر که هزینه های امور اجتماعی، شامل آموزش، بهداشت، تأمین و رفاه اجتماعی در آن کاهش فوق العاده یافت، تصادفی نبود و از ماهیت آن دولت ناشی می شد. خوشبختانه در بودجه ۱۳۵۹، که پس از برکناری دولت موقت بود شرایط اوج مبارزات ضد امپریالیستی، از جمله تسخیر جاسوسخانه آمریکا،

نفری و از عناصر انقلابی پیرو خط امام برخاست و گذاشت توطئه بزرگ مالکان بزرگ مالکان متأسفانه بوسیله فردی که بیش از هفتاد هکتار زمین دارد و در درون کشته نفوذ کرده، نقشهای خود را علیه قانون و علیه هیئت هفت نفری از پیش می بردند و از هرگونه نقض در کار یا شدت تجربه هیئت، نهایت سوء استفاده را می کنند و ردیلا نه پا- پوخردوزی و برودن سازی می کنند. ایجاد درگیری و کشتن دهقان بخت دهقان، یک تثبیت شوم بزرگ مالکان است. سایر دهقانان از تجربه تلخ مالکان بزرگ از آب گل بود ماهی میگیرند.

توطئه در تایباد

در شهرستان تایباد، واقع در استان خراسان، بقایای جدی فتودالیم ایجاد می کنند و باند های درز و قاچاقچی با همکاری بعضی از مسلمانان تایباد، برای مقابله با دسایس بزرگ مالکان، می تواند بسیار برتر باشد.

و با استفاده از ترویج بند "ج" و بند "د" سلسله ورود تریاک و قاچاق هرورین و اسلحه و احتکار ارزاق و خروج از مرز را گسترده اند. در برابر توطئه های اربابان در تایباد، که دانش و سعی یافته، نهادهای انقلابی، از جمله جبهه سازندگی و هیئت هفت نفری و آکادری زمین و شورای کشت و نهفت سواده موزی انتشار اعلامیه مشترکی را ضروری دانستند. تا مواضع خود را به اطلاع همه مردم و همه مسئولان برسانند. آنها اعلام کردند که: "گاریز، دهستانی در تایباد، به مرکز توطئه فتودال ها و قاچاقچیان بدل شده است اینان هر روز مدله ما شین عوض می کنند، در حالی که توده مردم کشاورز محروم بوده و پشنتن زیر بار زندگی ختم می شود. بدنبال اقدام باسداران به جلوگیری از قاچاق، عمل

فتودال ها دو تن از باسداران را محروم می کنند و شعارهای ضد انقلابی می- دهند. چپناها، که نقشه آمریکایی براندازی را اجرا می کنند، در تمام این مسائل فقط دعوی شیعه و سنی را می- بینند و می خواهند مردم را به جان هم بیاورند.

ضد انقلاب «قانونی» در مراغه

برخی از مالکان بزرگ هم در این هنگامه می خواهند به توطئه خود آب و رنگ «قانونی» بدهند و با عکایت به دادگاههای انقلاب - البته اگر بدانند در آنجا عواملی دارند و می توانند اعمال نفوذ بکنند - می کوشند زمین را پس بگیرند! دهها و دهها نمونه از این گونه تشبثات و از پس گرفتن عملی زمین، که موجب شکایت دهقانان و ناراضی شدن آنها شده، وجود دارد. از جمله یکی از بزرگ مالکان مراغه، بهداز متوقف شدن بند "ج" و بند "د" که دادگاه مراغه کرد و دستور استرداد زمین ها را گرفت. این دستور به شماره ۵۰/۲۳۸، به تاریخ سیام دی ماه ۵۹ صادر شد و موجب گردید که دهقانان زحمتکش که این همه چشم امید به انقلاب بسته بودند، سلب اعتماد شود.

یابند «ج» و «د» یا ادامه جنایت

دهقانان می دانند که این تشبثات بزرگ مالکان عاقبت نخواهد داشت. دهقانان آگاهند. در حال زمین مال خود دهقان خواهد بود. این آخرین دست و پا زدن های محض فلولکی است که در حالت نزاع دارد آدم می کند و توطئه می چیند. ولی بزرگ مالکی هرگز نخواهد توانست مردم مسلم خویش را به تأخیر اندازد. تا قانون اجرا نشود و زمین زسر پان اربابان سست نشده باشد! این گونه جنایات ادامه خواهد یافت. "بند ج" و "بند د" اجرا شود و کلیه اراضی بزرگ مالکی، بسد و ن استننا، مشمول قرار نگیرد، مستکبرین و شکار و عمال اسلحه بندگ آنها آدم خواهند کشت. جلو جنایات فتودال ها را با اجرای قانون بگیریم.

تدوین و تصویب شد، هزینه های امور اجتماعی از رقم ۳۹۱/۶ در بودجه ۱۳۵۸ به ۵۲۲/۷ در بودجه ۱۳۵۹ افزایش یافت، که طبیعتاً باز هم باید نه فقط بهبود آموزش و پرورش، بهداشت و تأمین رفاه اجتماعی در کرد افزایش این بخش بودجه است، بلکه افزایش هزینه های امور اجتماعی در بهبود وضع عمومی توده مردم تأثیر مثبت و مفید دارد. بخش امور اقتصادی بودجه - شامل امور کشاورزی، منابع آب، برق، صنایع و معادن، بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات، پست و مخابرات و امور دیگر، محتاج بررسی های اصولی و اساسی است و بودجه هزینه های این بخش در سال های پس از انقلاب باید با تغییرات اساسی، متناسب با هدف های تأمین استقلال اقتصادی و پیشرفت سریع صنعتی - کشاورزی همراه باشد. متأسفانه در این مورد مربوط به تغییر در سیاست های بنیادی اقتصادی است که از حوصله این نوشته خارج است. اصولاً قصد ما در این جا بحث و بررسی تفصیلی بودجه نبود. قصد ما توجه به رکن اساسی و بنیادی تدوین و تنظیم بودجه در شرایط پس از پیروزی انقلاب بود، که گمان می کنیم بهطور کلی به جهت اعدمان اشاره کرده ایم و اکنون وقت آنست که نتیجه گیری کنیم.

نتیجه:

بودجه کثیف تمام نمای سیاست های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی دولت است. مردم انقلابی ایران انتظار داشته و دارند که متناسب با هدف های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، در بودجه کشور تغییرات لازم داده شود و از این اهرم عمده اقتصادی، مالی و سیاسی به منظور تحقق خواسته های زحمتکشان استفاده بعمل آید. متأسفانه تاکنون چنین تغییراتی در بودجه صورت نگرفته است و این امر نمی تواند موجب نگرانی مردمی که برای پیروزی انقلاب بزرگ ترین پیگیری های عملی کرده و می آورند، نباشد. انتظار اینست که دولت مجلس شورای اسلامی با تدوین و تصویب بودجه واقعاً انقلابی مردم را از نگرانی خارج سازند.

بنامه مردم "در مقاله "ضرورت تغییرات بنیادی در بودجه مالیات ها"، مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۵۹، در مقاله "بررسی بخشنامه بودجه سال ۱۳۶۰"، مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۵۹، به تفصیل درباره مسائل مربوط به بودجه بحث کرده است. علاقمندان می توانند به این مقالات نیز مراجعه کنند.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

مردم ما با آمریکا جنگ میدهند و توان ادامه مبارزه را هم دارند

کشاورزان می پرسند: تکلیف زمین چه شد؟ هنوز عده‌ای هستند که با اندوختن لروزیاد خون مستضعفان را می مکند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست سرجمت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان، با اشاره به مبارزه مردم با آمریکا و اینکه ۶ ماهست درحال جنگ هستند، تاکید کرد که مردم توان ادامه مبارزه تا پیروزی کامل را دارند. در این جلسه همچنین بودجه ۲ ماهه اول سال ۶۰ مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار گرفت.

اولین سخنران قبل از دستور جلسه دیروز، ابوالحسن حسینی، نماینده میوند، طس سخنانی اوضاع حوزه انتخابیه خود را تشریح کرد. وی ازجمله از مسئولین وزارت نیرو و چاد سازندگان بخاطر خدماتی که به نفع مردم محروم منطقه انجام داده‌اند، که از آن جمله برق رسانی به حدود ۹۰ روستا است، سپاسگزاری کرد. وی همچنین به مسئله تورم و گرانی اشاره کرد و از لزوم افزایش فعالیت تعاونیها، که چاره سهمی برای این مشکلات است، سخن گفت.

حسینی سپس با اشاره به مسئله زمین ازجمله گفت: «کشاورزان می پرسند، از مجلس انتظار دارند، می گویند تکلیف زمین چه شد...؟ تا تکلیف مسئله زمین روشن نشود، خودکفائی درجهت کشاورزی شعاری بیش نیست».

نماینده مردم میوندت آنگاه از عده‌ای که هنوز با اندوختن سرمایه‌های کلان «خون مردم مستضعفان را می مکند» سخن گفت و تاکید کرد که این وضع «قابل تحمل نیست».

عبدالحمید معادینخواه، دومین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، طس سخنانی، ضمن اشاره به اینکه مردم ما غنق انقلابیان را نورفته‌اند و بهای مناسب آنرا خواهند پرداخت، از پارتکلیفی‌هایی که در تمام زمینها و ازجمله حقوق مالکیت، اراضی کشاورزی و شیری و... وجود دارد، سخن گفت و از مجلس خواست که «با همکاری دولت «پا و سرت و شتاب و درعین دقت خلاصای، بر قانونی را بگذراند».

سومین ناطق قبل از دستور، قهرمان دهخانی، نماینده مردم تاکستان، ضمن تبریک سومین سال تاسیس جمهوری اسلامی، اظهار امیدواری کرد که در این سال نمایندگان بیشتر جوابگوی خواستهای مردم انقلابی ایران باشند. وی در سخنانش ازجمله به توطئه دشمنان انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و از اعمال خرابکارانه و جنایتکارانه مخالفان انقلاب سخن گفت. از آن جمله به بپ گذاری در شهر قم، که به مرجوح شدن بیش از ۳۰ تن انجامید و ترور آیت‌الله ربانی شیرازی اشاره کرد. وی خاطرنشان کرد که این اعمال نه تنها موجب یاس مردم نخواهد شد، بلکه باعث «منهج تر، آماده تر، مقاومتر و مبارزتر شدن مردم انقلابی ایران خواهد شد. وی آنگاه از مشکلات حوزه انتخابیه خود سخن گفت و ازجمله

حکومت قانون...

بقیه از صفحه ۱

امنیت قضائی رخت برمی بندد و حیثیتها و ارزشها از گزند مستکران مصون نیست و هیچ استعدادی، هیچ نیروی نمیتواند بکار خلاق مشغول شود. در دوران پس از انقلاب، این امید در دلها جوانه زد که بالاخره با سرنگونی رژیم استبدادی سلطنتی، حکومت قانون در ایران برقرار گردد. انقلاب، انقلاب کوخستنیان بود و اینان بودند که بیشتر از تمام طبقات از بر قانونی رنج کشیده بودند. حکومت قانون (البته قوانین انقلابی) بیش از همه بیود آنان بود زیرا سازندگی پس از انقلاب، که شرط ضروری تأمین رفاه و ایجاد تحول در زندگی بزرگ و رونق آنان است، تنها در سایه نظم و انضباط مبتنی بر حکومت قانون انقلاب می‌توانست تحقق یابد.

مستکونی شهرها توسط تجاوزگران سدامی اشاره کرد و آنرا نشانه ضعف آنان در مقابله بازمندگان چپیه‌ها دانست. رئیس مجلس سپس به دلایران نیروی هوایی بخاطر عملیات موفقیت آمیزشان تبریک گفت.

آنگاه مجلس وارد دستور شد. در آغاز لایحه «اجرای امتحان هزینه کشور در ۲۴ه اول سال ۶۰» قرائت شد. طبق این لایحه، دولت می تواند هزینه‌های جاری و عمرانی را در ۲ ماهه اول سال ۶۰ تا میزان دو دوازدهم عملکرد سال ۵۹ پرداخت کند. این لایحه، که فوریتش در سال گذشته به تصویب رسیده بود، به بحث گذاشته شد و چند نماینده در موافقت و مخالفت آن سخن گفتند.

حجت‌الاسلام ناطق نوری، که در موافقت با این لایحه سخن می‌گفت، ضمن اشاره به سخنان مخالفین و نیز گزارشهایی که در زمینه بودجه ارائه می‌شود، ازجمله گفت: «تنها آیه‌یاس خواندن دردی را دوائنمیکند. شما طرح بدهید، بگوئید چه کنیم که کسری بودجه حل بشود... این آیه‌های یاس از یکسال قبل هم بود، ولی مردم ما که در محاصره هم بودند، هم با آمریکا جنگیدند، هم آمریکا هیچ غافلانه نترانست ادامه جنگ را تا پیروزی قطعی خواهند داشت. وی همچنین ضمن اشاره به اهداف دولت «در جهت خدمت به مستضعفین» تاکید کرد که باید دولت را در همه زمینه‌ها، ازجمله ارائه طرحهای لازم، یاری داد.

ناطق نوری همچنین تاکید کرد که: «ریگان و هم‌ملکانش» در سد تصفیف و نابودی این دولت هستند. حجت‌الاسلام ناطق نوری ضمن اشاره به انتقادی که از دولت در مورد برقراری سیستم سیمه بندی کالاها می‌شود و «گامی در دروزانه» به آن «دولت کولیوس» نیز می‌گویند، گفت: «همین گویانی اگر نبود، یکمده مستکینان تا بحث جنگ می‌شد، همه امکانات و مواذ نفتی را به انبارها می‌بردند و به روستائیان چیزی نمی‌رسانید. ادامه جلسه صبح دیروز به عصر همان روز موکول شد. در جلسه بعد از ظهر نیز بحث در مورد لایحه بودجه ادامه یافت.

خودسرانه و قانون شکنانه، بزرگترین خدمت را به سرمایه داری لیبرال ایسران در پیچ نیروهای ناگاه و مترارلسود اهداف ضدانقلابی ان انجام داده است. نباید از یادبرد که اقتضای از مردم ایران، نه از رفاه‌مندی کم و بیش برخوردار بودند، تنها بخاطر آزادی و رفائی ازچنگال رژیم پلیسی‌شاه به انقلاب پیوسته بودند. اعمال خودسرانه و قانون شکنانه به سرمایه‌داری لیبرال ایران امکان داد که خود را زیر شمار دفاع از آزادی پنهان کند و آنرا در سمت هفتادی ضد انقلاب خرد بکار گیرد.

سوم آنکه ضدانقلابی گروهک های مانویستی - آمریکائی و عناصر چپ‌پنا، که بقول امام خمینی میخواستند کاری بکنند تا دشمن حقیقی از یاد برود و بسجای آن دشمنیهای خانگی نشینند، از این وضع جداکنش استفاده را برای ایجاد نفوذ در داخل کشور کردند. استاد غیر - قابل انکار از دست است که ثابت میکند در اکثر درگیریها، نخستین جرعه را عمال دشمن به‌خبرن اختلافات زداند و حتی در ایجاد رژیمه اختلاف بین مقامات مسئول کشور سهم بزرگی داشته‌اند.

گسترش این خودسریها و قانون شکنیها می‌توانست نظام جمهوری اسلامی را بمخاطره بینکند. بویژه آنکه، تمام این قانون شکنیها و سوء استفاده‌ها یا بنام «اسلام» و یا بنام «دولت‌داری» انجام میگرفت. اینک امام خمینی با در نظر گرفتن که از این ناحیه نظام جمهوری اسلامی را تهدید میکند، در پیام نوروزی خود، سالچدید را سال حکومت قانون اعلام کرده‌اند.

حکومت قانون قبل از هر چیز حکومت امل‌نواظین، یعنی قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

قانون اساسی، با وجود برخی کمبودها که در آن دیده میشود، در رنوس کلی خود سند پراجی است که در آن اصول بنیاری بسود زحمتکشان وجود دارد. بایستی تمام قوانین دوران گذشته موافق با روح قانون اساسی و محتوای مردمی و دموکراتیک آن تعیین یابد و روابط اجتنامی در داخل کشور، برپایه حقوق و وظایف مصرح در قانون اساسی، و قوانین موضوعه بر پایه این قانون تنظیم گردد. اراده فرد، هرکس باشد و در هر مقام باشد، نباید جایگزین قانون گردد.

سال قانون باید سال تعیت هم از قوانین و سال برایی هم در برابر قوانین باشد. قوانین انقلابی که برپایه قانون اساسی جمهوری اسلامی و مطابق با روح و مضمون دموکراتیک آن تنظیم و تدوین شوند و بجای آنکه چون قوانین گذشته روی کاغذ مانده، بوسیله دستگاه قضائی قانع و مردمی، که وظیفه آن، بقول امام خمینی، دفاع از جان و شرف و مال مردم در برابر متدیان است، اجرا گردد، داد مظلومان از ظالمانستاند و آثارا به‌سزای خود نشانند.

بعقیده ما تأمین آزادیهای مدنی یکی از مهمترین وظایفی است که باید در سال قانون، برای حفظ انقلاب و خلع سلاح سرمایه‌داری لیبرال، انجام گیرد. قلمبست دستگاههای قضائی کشور که رویارویی با کسانی که اراده بخود را جایگزین قانون می‌کنند و چنانکه گنیمت با عمل ناگاهانه خود را برای عوام‌ریسی لیبرالی و سوء استفاده ضدانقلاب می‌کنند، یک وظیفه انقلابی است که تملک و تاختیر در انجام آن میتوانست بر نظام جمهوری اسلامی شریه جبران‌ناپذیری وارد کند. گفته امام خمینی را تکرار میکنیم که: «امید است امسال سال حکومت قانون باشد».

کمک مالی به حزب دوازدهم انقلابی است!

«آواکس» های...

بقیه از صفحه ۱

بیتن ۲۰۰۰ ریال در برادرچکسده ۴۰۰ ریال گروه نفس- ۱۱۰ ۵۰۰۰ ریال بپف از امازاده هاشم ۲۲۲۲ ریال غ-م مرم از تربت‌حیدریه ۶۰۰ ریال مرده از انزل ۱۰۰۰۰ ریال عمر نوین از اسفهان ۱۰۰۰۰ ریال در جشن عروسی رفیقته در بندر انزلی (برای خانه حزب) ۹۰۰۰ ریال سازمان ایالتی حزب در فارس ۱۰۰۰۰۰ ریال

دوم آنکه جو اجتمایی را برای بپذیرش شعارها و عوام‌ریانه سرمایه‌داری لیبرال ایران، که دفاع از آزادیهای مدنی را بپناه هجوم خود بر نهادهای انقلابی کرده بود، ساخت. این میان می‌توان گفت که اعمال

مشکل مسکن دانش آموزان آموزشگاه بهیاری زاهدان

داخل کنید

دانش آموزان آموزشگاه بهیاری حضرت فاطمه زاهدان از مشکل مسکن رنج می‌برند. کمبود مسکن برای این دانش آموزان، در کنار برخورداری نادرست و درموردی تحریک آمیز مسئولان، باعث شده است که ضدانقلاب به فعالیت تبلیغاتی وسیعی علیه انقلاب در بین آنها بپردازد و محیط را برای درگیری و تشنج آماده کند. آموزشگاه بهیاری حضرت فاطمه در زاهدان دارای ۹۳ دانش آموز بهیاری و حدود ۳۰ دانش آموز بهوزری است. بیشتر دانش آموزان این آموزشگاه از شهرهای مختلف استان به زاهدان آمده‌اند و به علت وجود مشکل مسکن در شهر، که بویژه در زمانی وجود عدم زیادی افتائی بوجود آمده است، در وضع دشواری بهسر می‌برند. این مشکل بصورت برای دانش آموزان بلوغ شدت بیشتری دارد، زیرا در حال حاضر دانش آموزانی که از آموزشگاه زایل آمده‌اند، دارای مسکن هستند. دانش آموزان تاکنون بارها به مقامات مسئول شهر مراجعه کرده‌اند، لیکن اقدامات عساری که کم به ایجاد نارضایتی در بین دانش آموزان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایسران بسته‌اند، هر با مانع از رسیدن دانش آموزان به خواست خود شده است. از جمله در دیماه سال گذشته، جهاد سازندگی استان اقدام به تأمین مسکن برای دانش آموزان کرد. لکن پس از حدود ۹ ماه

چاپ جدید تقویم سال نو زودی منتشر میشود

پیام سازمان جوانان توده ایران به کمیته مرکزی اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین

فرخنده یاد پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین!

جوانان قهرمان ویتنام در ۶ فروردین ۱۳۶۰، پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان پیشاهنگ خود، «اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین» را جشن می گیرند. بدین مناسبت پیام زیر از سوی سازمان جوانان توده ایران ارسال شد.

کمیته مرکزی اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین
رفقای عزیز!

سازمان جوانان توده ایران از سوی اعضاء و هواداران خود و همه جوانان انقلابی و مترقی ایران، پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحادیه جوانان کمونیست ویتنام (هوشی مین) را به شما و همه اعضاء و هواداران سازمان پیشاهنگ جوانان ویتنام تبریک و تهنیت می گوید. مبارزه قهرمانانه مردم و جوانان ویتنام علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و بغافل استقلال، دموکراسی و ترقی اجتماعی، همواره الهام بخش مردم و جوانان مترقی سراسر گیتی بوده است. بیکار دلوارانه ای که خلق قهرمان شما، تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام و رهبر کبیر آن هوشی مین، علیه سلطه امپریالیسم غارتگر فرانسه و سپس امپریالیسم تجاریتارک آمریکا و دست نشانده گان داخلی آن آغاز کرد و در پرتو بیکار شبانه روزی و تلاشهای خستگی ناپذیر در پیروزی رسید و جمهوری سوسیالیستی ویتنام را پایه گذاری نمود. از درخشندترین بسرکهای انقلابی جهانی رهائی بخش ملی در دوران کنونی است. انقلاب شکوهمند مردم شما شریک بزرگ بریکس امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، وارد ساخت و انسانه شکست ناپذیری آن را در درم شکست و الهام بخش خلقهای تحت سلطه سراسر جهان - و از جمله مردم ایران - در مبارزه بغافل زندگی نو گردید.

امروزه، مردم و جوانان ویتنام سوسیالیستی، تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، مبارزه در راه بازسازی مین انقلابی و ساختن کشوری مستقل، آزاد، آباد و شکوفا را ادامه می دهند. در چنین شرایطی، امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و رهبری تومسه طلب و مانوئیست یکن، که از تنیبت و تحکیم جمهوری سوسیالیستی ویتنام هراسانند، از همه تلاش برای خرابکاری در روند بازسازی ویتنام انقلابی فروگذار نمی کنند. تشدید حالات تبلیغاتی علیه ویتنام سوسیالیستی و تجاوز مسلحانه رهبری مانوئیستی یکن به سرزمین ویتنام، از جمله این دسایس اند.

رفقای گرامی!
مردم و جوانان انقلابی ایران، که همواره به مبارزه قهرمانانه شما علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی، به چشم تحسین می نگریسته اند و از هر پیروزی شما، همچون پیروزی خود، با شور و شمع استقبال می کرده اند، اکنون نیز حمایت بی دریغ و همه تنگی خلق ناپذیر خود را با مبارزه عادلانه شما برای ساختمان زندگی نوین و دفع توطئه های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و

ارتجاع منطقه - بویژه رهبری مانوئیست یکن - ابراز می دارند. رفقای عزیز!

مردم و جوانان ایران پس از سالها سلطه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و حکومت دست نشانده آن، رژیم محمدرضای اسلمون، تحت رهبری امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بیاختصاصد و با انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ بساط حاکمیت رژیم دست نشانده پهلوی را درهم پیچیدند و قدم در راه ساختمان مینمی مستقل، آزاد و آباد نهادند. امپریالیسم جهانیتارک آمریکا، از بدو پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، از همه توطئه های برای براندازی آن فروگذار نکرد و از تمام شرکدهای اهریمنی خویش - محاصره اقتصادی، سازماندهی و تقویت گروهکهای ضد انقلابی و مانوئیست، تدارک کودتا، تجاوز مسلحانه ... - در این راه بهره برد. جنگ تجاوز کارانه ای که توسط رژیم سدامی حاکم بر عراق بر مینما تحمیل شده، یکی از این توطئه های امپریالیستی برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

امروزه، هماغسست که مینم انقلابی ما آماج تجاوز داورسته سدامی حاکم بر عراق - که از حمایت مادی و معنوی امپریالیسم و ارتجاع منطقه برخوردار است - قرار گرفته است. داورسته سدام، که در سیاست داخلی مشی دیکتاتوری ارتجاعی و کشتار نیروهای انقلابی کشور برادر ما عراق - و از جمله کمونیست های عراق - را دنبال می کند، در سیاست خارجی نیز روز بروز بیشتر در منجلا بویستیکی به امپریالیسم فرو می رود. جنگ تجاوز کارانه علیه ایران انقلابی و ضد امپریالیستی، تقویت و تسلیح ضد انقلابیون ایرانی و چهره های سرشناسی «سیاه» و تحکیم همکاری با رژیم های مرتجعی چون رژیم حاکم بر اردن و رژیم سعودی نمونه بارز این امر است. ولی مردم و جوانان ایران، که توانستند با بیکار دلوارانه خود، یکی از مقتدرترین رژیم های دست نشانده امپریالیسم را درهم شکنند، مسماند که تا پیروزی نهایی در مقابل تجاوز رژیم سدام مقاومت کنند و مجاورین را از خاک مینم انقلابی خود بیرون رانند. رفقای عزیز!

سازمان جوانان توده ایران، در پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین، بادرکیمه تنگی کسست ناپذیر خویش را با مردم و جوانان قهرمان ویتنام ابراز می دارد و برای صلح در مبارزه عادلانه تان بغافل ساختمان مینم انقلابی و در راه صلح و ترقی اجتماعی آزادی موفقیتم می کند.

زنده یاد اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین!
زنده یاد همبستگی بی انضالی جوانان!

سازمان جوانان توده ایران
دیراوز، گویورث زرنشانی
۱۳۵۹۱۲۲۶

به رفیق فقید حسین دژگانی قاصد «نامه مردم»

دویا ترا به کام فرو برد
فکر ترا چگونه فرو می برد به کام؟
عزم ترا چگونه؟
رزم ترا چگونه؟ -

پویائی همیشه!
دویائی سمدام!
بردند کوسه هات به بغما
بلغید استخوان ترا دویا
وانسو ترک کنار مینم هرمز
خندید کوسوار و خون پر کف
یانگی به رزمنامو که می آمد
زانسوی مسرگنایا
اینسوی زندگسی.

می خواست کوس فتح نوازده که ناگهان
برهوج خیز رزم
خندید مرد ساده ماهیگیر
فریاد زده: یانگی بیمر، مرگ بر آمریکا!
من زنده ام و «نامه مردم» را
همواره می برم.

اینک جزیره نام ترا با خون
فریاد می کند
دویا به خون تست بر آشفته.

جلال سرفراز
شنبه ۱۵ فروردین ۶۰

نامه هواداران حزب توده ایران در میبد به سیاه پاسداران انقلاب

کره ای از هواداران حزب توده - و دشمنان انقلاب ایران برپا شده ایران در میبد، ملی نامه ای بیوان خواسنار رسیدگی به چکوکوی ربهود شدن نمایشگاه «انقلاب آمریکا بنماید. ایران و جنایات امپریالیسم آمریکا دایران سراسر جهان» که توسط هواداران حزب توده ایران، برپا شده بود، شده اند. در این نامه آمده است: «در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ماهی از مسیر انقلاب ایران و جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران و سراسر جهان، برپا گردید، و با متاسفانه در فاصله زمانی ۶۰ ال ۸۰ صبح همان روز، بوسیله افراد ناشناسی برچیده و ربهود شد. اینس نمایشگاه که در پشتیبانی از اهداف انقلاب و نهاده های انقلابی، از جمله سیاه پاسداران، و در معرفی دوستان

آغاز هفته بین المللی مبارزه برای صلح و امنیت در آسیا

روز ۱۶ فروردین «هفته بین المللی مبارزه برای صلح و امنیت در آسیا» آغاز شد. مبتکر این «هفته» «شورای جهانی صلح» و هدف از برگزاری آن، کمک به مبارزه خلقهای آسیا در راه تأمین صلح و پیشرفت اجتماعی است. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و متحدان جینی آن در دوران اخیر فعالیت های تنش زایانه خود را در نقاط گوناگون این قاره، از جمله در افغانستان و کامبوجیا، شدت بخشیده اند. از سوی دیگر، جندی بیشتن، اتحاد شوروی، از زبان لئویدرژف، پیشنهادهای سازنده و مشخصی درباره کاهش تنش در آسیای جنوب خاوری و منطقه آقیانوس هند و خلیج فارس ارائه داشت. علاوه بر این لئویدرژف در بیست و ششمین کنفره حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: «اتحاد شوروی آمادگی خود را برای گفتگوهای مشخص درباره تدابیر اطمینان آفرین در خاروردور، بمنظور کاهش تنشات در این منطقه اعلام میکند».

پایان کنگره کمیونستهای بلغارستان

روز ۱۶ اسفند ۱۳۶۰، دوازدهمین کنفره حزب کمونیست بلغارستان در صوفیه پایان یافت. نمایندگان کنگره گزارش فعالیت های کمیته مسرکری را تصویب و تصمیمات مهمی درباره بنیاست، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی حزب در سالهای آینده اتخاذ کردند. در کنگره همچنین تغییراتی در اساسنامه حزب کمیونستای بلغارستان تصویب گردید و از گانه های رهبری از نو انتخاب شدند. کمیته مرکزی جدید در نخستین جلسه خود پس از پایان کنگره دوازدهم، تودور ژیوکوف را بار دیگر بسمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب برگزید. دبیرالهروی دوکتا ایالتیا

از سیاست ریگان از تریکو برلینگور، رهبر حزب کمونیست ایالتیا، مخالفت خود را با استقرار موشک های هسته ای میان برد در ایالتیا اعلام داشت. وی در سخنرانی در اجتماع عظیمی در سیبیل، این موشکها را «جنگ ابزار های ویران ساز» خواند.

یکی دیگر از سخنرانان یاد آور شد که دولت ایالتیا، در دوران اخیر، بخلاف منافع مردم ایالتیا، هرچه بیشتر از سیاست ایالات متحده آمریکا دنباله روی می کند.

نامه هروز

ارگان مرکزی حزب توده ایران

«پراودا»: نیروهای امپریالیستی در امور داخلی لهستان مداخله میکنند

«پراودا»، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در شماره ۱۶ فروردین خود نوشت که: «پایه های نظام سوسیالیسم در لهستان هنوز در معرض خطر جدی است. این واقعیتی است که هفته پیش، هنگامیکه عناصر ارتجاعی در اتحادیه «همبستگی» کشور را به ورطه انتصاب عمومی کشتار زدند، بادرگیری ثابت شد. نهمین بلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان روش «همبستگی» را «مبارزه مستقیم با سوسیالیسم» خواند. «پراودا» تأکید کرد که: «نیروهای امپریالیستی برای مداخله در امور داخلی لهستان کوشش می ورزند. آنها، از جمله، به تحریم اقتصادی لهستان می ریزند، به دولت آن کشور در مورد باصلاح «آشوب و هرج مرجع» اخطار میدهند و عناصر ارتجاعی را به ادامه اعمال خودسراشه تشویق میکنند. بنوشته «پراودا»:

«رویدادهای لهستان اهمیت فراوان اقدام مشترک کشورهای سوسیالیستی را در برابر تلاش نیروهای امپریالیستی، مبنی بر اخلاص در امور کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی نشان میدهد».

لئویدرژف ریاست هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در کنگره شانزدهم حزب کمونیست چکسلواکی بعهده دارد

روز ۱۶ فروردین ۱۳۶۰، هیئت نمایندگی کمیته مسرکری حزب کمونیست اتحاد شوروی، ریاست لئویدرژف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و سدر شورای ایالت اتحاد شوروی، برای شرکت در شانزدهمین کنفره حزب کمونیست چکسلواکی، مسکو را بقصد پراگ ترک گفت. این کنفره در روز ۱۷ فروردین در پایتخت چکسلواکی گشایش خواهد یافت.

NAMEH MARDOM	
No. 479	
6 April 1981	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می توانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۵۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۵ پستی تهران